

به نام خدا

اعتراض ۲۳۳ تن از افراد و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و ادبی کشور به ادامه توقیف مطبوعات و بازداشت نویسندگان بویژه آقای حسن یوسفی اشکوری

زندانیان سیاسی و فکری را آزاد کنید

پنج ماه از برخورد یکسویه با مطبوعات مستقل و اصلاح طلب و ادامه توقیف موقت (!؟) روزنامه و نشریه می‌گذرد. جریان تمامیت‌خواه در حاکمیت، بی‌آنکه توضیح منطقی و پاسخی قانع‌کننده به مخاطبان وسیع این نشریات دهد، اطلاع‌رسانی آزاد و شفاف را همچنان مخدوش و محدود نگاه داشته است. این در حالی است که دست جریانه‌ها و محافل اقتدارگرای افراطی در برخورد خشن با تجمعات قانونی (مانند نشست سالیانه دفتر تحکیم وحدت در خرم آباد) همچون گذشته، گشوده و دروغ‌پراکنی و تنش آفرینی نشریات و جریانه‌های تمامیت‌خواه و نیز رسانه‌های تحریف‌کننده حقیقت، در هتاکی و ایجاد تشویش در جامعه، کمافی‌السابق مهیاست. افزون بر این، هفته‌هاست که تنی چند از روزنامه‌نگاران اصلاح طلب و مستقل، بدون بیان مشخص موارد اتهامی‌شان و بدون محاکمه علنی در دادگاه صالح با حضور هیات منصفه، در زندان محبوس مانده‌اند. علاوه بر این، اندیشمند نوگرا و دین پژوه آزاد آقای حسن یوسفی اشکوری به رغم بیماری سخت و ضعف جسمی و نیز پایان یافتن بارجویی‌ها، همچنان و در حالی که امکان انتخاب و کیل نیافته، در پشت میله‌های زندان است. در حالیکه از مدت یک ماهه بازداشت ایشان (که حتی آن نیز به علت عدم احتمال فرار، تباری و امحاء آثار جرم، غیرقانونی است) روزهای زیادی می‌گذرد، اما برخلاف عرف و قانون هیچ گونه تبدیل قرارری صورت نگرفته است. آنچنان که روزنامه‌نگار آزاد و نویسنده صادق کشور آقای احمد زیدآبادی نیز به رغم پایان یافتن قرار بازداشت اولیه، در اوین به سر می‌برد. بازداشت این روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی در حالی ادامه دارد که اعتراض‌ها و انتقادهای گسترده مجامع، محافل و شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی کشور نسبت به این امر، تاکنون پاسخی از سوی سیستم قضائی کشور دریافت نداشته است.

امضاء کنندگان این بیانیه، یک بار دیگر از مسئولان ذیربط، و به ویژه دست‌اندرکاران ظاهری و پشت‌صحنه در دستگاه قضایی می‌خواهند در راستای ایفای حقوق اولیه و اساسی شهروندان، هرچه سریعتر، نسبت به رفع توقیف از مطبوعات و آزادی نویسندگان، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی دربند و به ویژه آقایان یوسفی اشکوری و زیدآبادی اقدام کرده، گامی عملی برای تحقق واقعی آزادی و امنیت در کشور بردارند. تمامیت‌خواهان نیز مطمئن باشند که اقدامات ضدملی و غیرقانونی آنان، نه تنها موجب توقف جنبش اصلاحی ایران و انصراف مردم از تلاش برای تحقق آزادی و مردم‌سالاری نخواهد شد، بلکه بر عزم و اراده شهروندان برای برخورد قانونی با انحصارطلبی و استبداد و مقاومت در برابر موانع اصلاحات، خواهد افزود.

۳۰ شهریور ۱۳۷۹

ادیب برومند- دکتر لقا اردلان- مهندس منوچهر احتشامی- دکتر سعید آل‌آقا- مهندس فریدون آقاسی- احمد آقایی- دکتر مصطفی اخلاقی- طاهر احمد زاده- حسن اربابی- دکتر محمد ابوالحسنی- مهندس محمود امیر احمدی- دکتر محمود امامی- حمید احراری- اعظم اکبرزاده- خسرو آذربایجانی- دکتر حسین اعرابی- ابوالقاسم ایرانی- هادی احتضاطی- عباس ابوذری- ناصر املی- ناصر احمدزاده- مسعود آیت‌الله زاده- اشکیانی- دکتر بهروز برومند- ابوالفضل بازرگان- مهندس عبدالعلی بازرگان- محمد بسته‌نگار- پرویز بابایی- سیمین بهیپهانی- دکتر هرمیداس باوند- دکتر محمد حسین بنی اسدی- مهندس محمد بهزادی- صفا بیطرف- پروین بختیار نژاد- علی اکبر- علی اشرف بنی عامریان- مهندس مرتضی بدیعی- اکبر بدیع‌زادگان- دکتر رحمت‌الله برهانی- دکتر حبیب‌الله پیمان- دکتر محمود پیش‌بین- دکتر محمد پدram- دکتر خسرو پارسا- عباس پورآظه‌ری- عزیز پور حمید- مسعود پدram- مجید پیمان- کیوش پارسا- حسن پارسا- ذبیح‌الله پورفر- دکتر غلامحسین توسلی- مهندس محمد توسلی- مهندس مجید تولایی- رحیم ترابی نژاد- هادی تفنگچی- دکتر عباس تاج دینی- ناهید توسلی- مهندس مصطفی تنها- درخشنده تیموریان- دکتر ناصر تکمیل همایون- نصرالله توکلی- احمد تنوری- علیرضا تقفی- دکتر سیدمحمد مهدی جعفری- سید حسین جعفری- دکتر علی اکبر جلالی- دکتر نصرالله جمشیدی- ابوالفضل حکیمی- دکتر مسعود حجازی- مهندس اسماعیل حاج قاسمعلی- مجید حکیمی- منوچهر حیدری منفرد- دکتر علی حاج قاسمعلی- دکتر سیف‌الله حسن زاده- عبدالکریم حکیمی- مهندس سعید حجازی- مهندس حسین حریری- محمدرضا حاتم‌ثانی- احمد حق‌شناس- دکتر انور خامه‌ای- رضا خندان مهابادی- مهندس حشمت‌الله خضوعی- مهندس سید امیر خرم- سید حسن خطیبی- غلامحسین خیر- محمد خلیل‌نیا- حسن خرمشاهی- حسن خشایار دوست- مهندس هوشنگ خیراندیش- اکبر خرازی- عیسی خندان- غلامرضا خوش خلق- خلیل خلیل پور- ابراهیم خدادادی- ابراهیم خوش سیرت- رسول دادمهر- علی اشرف درویشیان- دکتر محمود دل‌آسای- محمد دادیزاده- دکتر حبیب داوران- سعید درودی- مهدی دادیزاده- محمدرضا دادیزاده- منوچهر داورپناه- دکتر فریبرز رئیس‌دانا- حسین راضی- جواد رهبری‌نیا- محمد جواد رجائیان- عبدالله رادنیان- بهمن رضا خانی- دکتر حسین رفیعی- غلامرضا رحیم- تقی رحمانی- دکتر رضا رئیس طوسی- دکتر علیرضا رجائی- احد رضائی- فرزانه روستایی- اصغر رضایی- عبدالله رحیمی- مجید رضایی- مهندس محسن رافتیان- آتوسا راوش- سعید رشتیان- منصور رسولی- جواد رحیمیان- امیر رضایی- حسین زاد عیسی- مهندس کوروش زعیم- ناصر زرافشان- مهندس محمود زندیان- سید مجتبی زمان‌ثانی- جمال زره‌ساز- مجد ابراهیم زمانی- دکتر یدالله سبحانی- مهندس عزت‌الله سبحانی- خسرو یوسف- دکتر احمد ساعی- سید محمد سجادی- دکتر فریدون سبحانی- مهندس محسن سازگارا- ایرج سلامت- حسن سادات گوشه- حسین سلیمانی- نبی‌الله سلطانی- حسین سکاکی- علیرضا ساریخانی- دکتر خسرو سعیدی- دکتر رضا سامانی- دکتر احمد سپهری- نسرین ستوده- احمد سروری- محمدحسن سامی- دکتر علی اکبر سرجمعی- جعفر سیدزاده- حسین شاه‌حسینی- دکتر تقی شامخی- الله وردی شمبوری- محمد شانه‌چی- جواد شرف‌الدین- ابراهیم شاکری- علی شجاع- احمد شهامت دوست- شادولی- مهندس هاشم صباغیان- احمد صدر حاج سیدجواد- هدی صابر- مظفر صفری- مهندس کیوان صمیمی- مهدی اصراف- احمد صمیمی- سودابه صالحی- دکتر سیاوش صحت- عطاءالله صدیقیان- خلیل صنف- فیروزه صابر- باقر صدیقیان- علی اشرف ضرغامی- فریدون ضرغامی- اعظم طالقانی- طاهره طالقانی- مهندس اکبر طاهری- مهندس محمد طاهری- امیر طبرائی- علی طهماسبی- محمد طائفی- دکتر حسام طالقانی- کامران طاهباز- اسدالله عمادی- هوشنگ عاشورزاده-

رضا عابد- هما عابدی- سیدجعفر عباس زادگان- شهین علوی- مهندس سعید علی مددی- رضا علیجائی- محمود عمرانی- مهندس محمد جعفر عمادی- مهندس حسن عربزاده- حسن عبدی- مهدی عمرانی- سید حامد علوی- پیمان عارف‌نیا- دکتر سید اصغر غروی- دکتر مسعود غفاری- مهدی غنی- مهندس مصطفی فاضلی- محمد رضا فرخوی- ناصر فرید- حسن فخر سلطانی- دکتر حسن فرید اعلم- دکتر غفار فرزندی- اسماعیل فاضل پور- حسن فرهودی‌نیا- ارسلان فلاح حجت انصاری- امیر حسین فلامرزی- پرویز فروهر- علی فرید یحیایی- دکتر نظام‌الدین قهاری- عباس قزوانچاهی- حجت قیاسی- دکتر عبدالحسین قاسمی- عباس قائم الصباحی- محمد قربان پور- مصطفی قلی زاده- فاطمه کمالی- احمد سرایی- مهندس مصطفی کنیرائی- مرتضی کاظمیان- دکتر رحمان کارگشا- ایرج کابلی- کاظم کردوانی- دکتر رضا کاشفی- محمد کسرای- ناصر کمیلیان- عبدالکریم کنی- عباس کشتگاران- تیرداد کشاورزی- مسعود کردپور- خسرو کردپور- بیژن گل افرا- فاطمه گوارایی- کاوه گوهرین- فریدون گدابلو- مهندس علی اصغر گل‌سرخ- عبدالرضا گورنگ- محمود گرگین- مسعود لدنی- عبدالله لسانی- عزیز لسانی- مهندس علی اکبر معین فر- ابوالفضل میر شمس شهشهانی- مهندس نظام‌الدین موجد- نصراف مهرگان- دکتر سید حسین موسویان- مهندس رضا مستان- دکتر عبدالرضا هوشنگ انصاری- حسن میرمحمد صادقی- ناصر مجللی- فرزین مخیر- نسترن موسوی- اکبر معصوم بیگی- مصطفی مصطفوی- دکتر محمد ملکی- محمد محمدی اردهالی- مهندس لطف‌الله میثمی- ناصر مه‌آبادی- دکتر احمد مهران- سید جواد مادرشاهی- دکتر محمد محمدی گرگانی- علی اصغر معین فر- صمد ملکی- حسین مجتهدی- اسد موسوی- مهندس محسن محقق- هرمز ممیزی- هادی مومنی- دکتر یوسف مولایی- حسین مدنی- سعید مدنی- دکتر ماشاءالله مدیحی- مرضیه مرتاضی لنگرودی- قدسیه میرمعز- مصطفی مسکین- مهندس غلامرضا مسموعی- دکتر فضل‌الله مصطفوی- دکتر کاظم مستفید- صادق مسرت- علی اصغر مغازه‌ای- ضیاء مصباح- دکتر منوچهر محبی- ابوالفضل مرتاضی لنگرودی- مهندس مرتضی مقدم- مهندس وحید میرزاده- خسرو منصوریان- محسن محسن‌زاده- مهندس جمشید منصوریان- مهندس اسماعیل ناطقی- مهندس محمد تقی نکوفر- مهندس منوچهر نوربخش- دکتر علی اکبر تقی پور- مهندس سید حمید نوحی- سید مهدی ناطقی- دکتر محمود نکوروح- مهندس محسن نراقی- مهندس محمود نعیم پور- فخرالسادات نوربخش- محمد حسن نائینیان- مهندس رضا نخشب- مهندس بهرام نمازی- امیر نصیری- مهندس علی‌اکبر نوشین- محمود نجابتی- دکتر سید مجید نوحی- حیدر علی نجابتی- محمود نجار صادقی- دکتر پرویز ورجاوند- ناصر وحدتی- دکتر حسن وهاب آقایی- حمید وارسته- مهندس اکبر والی- پرویز همایونی- دکتر هادی هادیزاده- مهندس اردشیر هوشی- محمد علی هاشمی- مهندس علیرضا هندی- کوروش همه خانی- احسان هوشمند- محمد ابراهیم یزدانیان- ابراهیم یونسی- طاهره یزدانی مقدم (برازنده)- رحیم یآوری- منصور یاقوتی- دکتر ابراهیم یزدی.

* * * * *

نامه همسر حجت‌الاسلام حسن یوسفی اشکوری به آیت‌الله منتظری

محضر مبارک آیت‌الله العظمی گرامی

با سلام و آرزوی توفیق و عمر پربرکت برای جنابعالی، در ملاقاتی که اعضای خانواده با آقای حسن یوسفی اشکوری در محل دادگاه ویژه روحانیت داشتیم ایشان اظهار داشتند که دادستان دادگاه ایشان را به ارتداد، محاربه و افساد فی‌الارض متهم نموده است. ظاهراً مستند دادستان در مورد ارتداد بخشهایی از سخنان و مقالات آقای یوسفی اشکوری در مورد "حجاب" و همچنین بحث تغییر احکام به خاطر ارتباط احکام با "موضوعات" (که خود متغیرند) بوده است. آقای یوسفی در سخنرانیها و مقالات خود اظهار داشته‌اند که "حجاب" امری شخصی است و دستگاه حکومت اسلامی نمی‌تواند مردم را به رعایت حجاب مجبور نماید. البته ایشان اعلام کرده‌اند که شخصاً به اصل حکم حجاب اعتقاد دارند و به آن پایبند هستند ولی اجبار به رعایت حجاب را قبول ندارند. (این رأی در ابتدای انقلاب توسط آیت‌الله طالقانی نیز ابراز شد). ضمناً ایشان در مورد متغیر بودن احکام نیز به ارتباط "احکام" و "موضوعات" اشاره کرده و اظهار داشته‌اند که "احکام، تابع موضوعات" هستند و در صورتی که "موضوعی" تغییر کند یا تبدیل پذیرد "حکم" آن نیز به تبع موضوع دچار تغییر و تبدل می‌شود و از آنجا که موضوعات دائماً در حال تغییر و تحول هستند متناسب با هر تغییر و تحولی که در هر موضوعی رخ دهد شاهد تغییر و تحول در حکم آن موضع نیز خواهیم بود و بدین ترتیب احکام نیز متغیر خواهند شد.

با توجه به موارد فوق استدعا دارم اعلام فرمایید آیا قائل به سخنان و موارد فوق با توجه به احکام فقهی مربوط به ارتداد، مرتد محسوب می‌شود؟ همچنین اگر فردی نظراتی در مورد برخی از احکام فقهی ارائه کند، حتی اگر آن نظرات شاذ و خاص بوده و با نظر جمهور فقها و علمای اسلامی هماهنگ نباشد، آیا صرف اظهار نظر از طریق مقاله، سخنرانی و مصاحبه - ولو اینکه اظهار نظر از موارد خاص و اختلافی بوده و حتی صحیح هم نباشد - مصداق محاربه و افساد فی‌الارض است؟ یا اینکه محارب و مفسد فی‌الارض به فردی اطلاق می‌شود که به روی مردم اسلحه بکشد و یا اقداماتی مسلحانه انجام دهد؟ خصوصاً آنکه اعتقاد و التزام عملی آقای حسن یوسفی اشکوری به اسلام امری است مسلم و وی به عنوان یک فرد مسلم تقید عملی به احکام را نیز دارا می‌باشد.

با تقدیم احترام

محترم گل‌بابائی، همسر یوسفی اشکوری

۷۹/۷/۲۶

* * * * *

حسین باقرزاده

اشکوری در آستانه مرگ قرار گرفته است!

*** عکس‌العمل آقای خاتمی در برابر دادگاه آقای اشکوری آزمایش بزرگ و احتمالا تعیین‌کننده‌ای برای او خواهد بود ***

بالاخره یک هفته پس از این که خبر محاکمه سری آقای یوسفی اشکوری منتشر شده بود، یک سخنگوی بی‌نام و نشان دادستانی ویژه روحانیت روز دوشنبه خبر داد که به اصطلاح محاکمه نامبرده به انجام رسیده است و اکنون باید منتظر صدور رای بود.

از خود این سخنگو که اصرار داشت نام شناسنامه‌ای آقای اشکوری را به کار ببرد هیچ نامی برده نشده است. او هم‌چنین نگفت که سه جلسه به اصطلاح دادگاه آقای اشکوری کی و کجا برگزار شده است و قاضی و دادستان که جلسات به ادعای او با حضور آنان "و وکیل مدافع وی" برگزار شده کیان بوده‌اند. او حتی زحمت این را بخود نداد که بگوید این وکیل مدافع تسخیری بوده است. علی‌رغم همه این‌ها، او از پنج اتهام علیه نامبرده یاد کرد. مهمترین این اتهامات، دومین آن‌ها بود که این "مقام مطلع" دادستانی چنین بیان کرد: محاربه و افساد فی‌الارض و اقدام علیه امنیت کشور از طریق شرکت و سردمداری جمعیتی که با شعار تغییر نظام دینی فعالیت کرده و شرکت در کنفرانس برلین و ایراد سخنرانی‌های ضدنظام و نیز شرکت در جلسه سازمان فداییان خلق شاخه اکثریت در برلین و اقدامات مشابه دیگر در خارج از کشور.

در این جا نیز این "مقام مطلع" لازم ندانسته بگوید که نام و نشان جمعیتی که با شعار تغییر نظام دینی فعالیت کرده و آقای اشکوری ظاهرا در آن شرکت داشته و یا "سردمدار" آن بوده است چیست. چسباندن اتهام محاربه و افساد فی‌الارض به یک روحانی که سلاحی جز قلم در زندگیش به کار نگرفته و در برابر فساد و خشونت و استبداد حاکم همواره سعی در نصیحت و توصیه به خیر داشته است نباید تعجب‌آور باشد. با این اتهامات، هزاران نفر در دوران جمهوری اسلامی قتل‌عام شده‌اند - بدون این که همه این قربانیان دست به اسلحه برده باشند. در تعریف این قتل‌عام کنندگان، ظاهرا محاربه با خدا یعنی ضدیت با خود آنان، و افساد فی‌الارض یعنی ترویج آزادی و انسانیت و حقوق بشر.

در توضیح این اتهامات، سخن‌گوی دادگاه ویژه روحانیت از چند عمل مشخص آقای اشکوری نام می‌برد، که ظاهرا سنگین‌ترین آن‌ها به ادعای او "سردمداری" جمعیتی است با شعار "تغییر نظام دینی". هر بچه دبستانی می‌داند که این شعار به هیچ عنوان به معنای مخالفت با دین نیست تا چه برسد به محاربه با خدای آن. اگر آقای اشکوری از چنین تزی حمایت می‌کند در درجه اول به خاطر این است که دامن دین مورد اعتقاد خود را از ستم و تبعیض و جنایاتی که به نام آن در حکومت جمهوری اسلامی صورت گرفته و می‌گیرد پاک و منزه کند. او دیده است که در این جمهوری، به نام دین ستم‌بارترین تبعیضات اجتماعی را علیه زنان، اقلیت‌های مذهبی و آزاداندیشان برقرار کرده‌اند، دختر فروشی را به نام ازدواج تجویز کرده‌اند، فرزندکشان را از مجازات معاف کرده‌اند، قاتلان زنان را مستحق دریافت دیه دانسته‌اند، آدم‌کشی را به دلایل عقیدتی آزاد کرده‌اند و برای مرتکبان قتل در محیط‌های زنانه راه فرار باز کرده‌اند.

او دیده است که در جمهوری اسلامی بزرگترین جنایت ممکن - یعنی آدم‌کشی - دقیقا به نام اسلام صورت گرفته است و آن هم نه یکی و دوتا و ده تا و بیست‌تا و صدتا و دویست‌تا و بلکه هزارها و هزارها. و طبیعی است که در نظام و آیینی که این بزرگترین جنایت بشری تا این حد توجیه‌پذیر باشد هر جنایت دیگری را نیز می‌توان تشریح و توجیه کرد.

سه‌شنبه ۲۶ مهر ۱۳۷۹ (۱۷ اکتبر ۲۰۰۰)

* *

سیدعلی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور را**برای برکناری اصلاح‌طلبان پیگیر زیر فشار قرار داده است**

بنابه گزارش‌های دریافت شده از منابع موثق جناح انحصارطلب از طریق شخص سیدعلی خامنه‌ای از خاتمی خواسته است که به همکاری خود با عطاءاله مهاجرانی، معاونان وی و مصطفی تاجزاده معاون سیاسی وزارت کشور، پایان دهد.

گفته می‌شود سیدعلی خامنه‌ای به توصیه سران جناح راست پس از حوادث خرم‌آباد به خاتمی هشدار داده است که اگر این افراد همچنان در پست‌های خود باقی بمانند آنگاه از جانب مراجع ذیصلاح قضایی احضار و محاکمه خواهند شد.

بنابه همین گزارشات علی خامنه‌ای مجدداً به هیئت رئیسه مجلس ششم نیز نسبت به ارائه طرح‌ها و لوایحی که بخواهد به نوعی راه را بر آزادی مطبوعات هموار کند هشدار داده و نسبت به تحركات و اظهار نظرات برخی از نمایندگان مجلس ابراز ناخشنودی کرده است.

مطابق همین گزارشات نیروهای دوم خرداد در مجلس و دولت در برابر این فشار جناح راست و شخص خامنه‌ای در آستانه انفعال و تجزیه قرار گرفته‌اند. چنان که گروهی خواستار علنی کردن این فشارها و ایستادگی هستند و گروهی نیز مصلحت را در تمکین و تقیه می‌بینند.

گفته می‌شود که اتهام ارتداد، محارب و مفسد به حجت‌الاسلام حسن یوسفی اشکوری (از چهره‌های ملی-مذهبی) نیز برای تهدید منتقدان ولایت فقیه در مجلس و در میان روشنفکران مذهبی و نیز وارد کردن فشار بیشتر به خاتمی صورت گرفته و ممکن است در روزهای آینده نظیر همین اتهامات به برخی از روشنفکران

و روزنامه‌نگاران دیگر نیز وارد شود. اتهام ارتداد و محاربه به یوسفی اشکوری به آن دلیل صورت گرفته که وی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود ولایت فقیه را مورد تردید قرار داده است.

بنابه همین گزارشات شخص خاتمی در تلاشهای پشت پرده بویژه از راه مذاکره با خامنه‌ای و رفسنجانی می‌کوشد راهی برای برون رفت از این بن‌بست و حفظ وحدت طیف دوم خرداد پیدا کند.

گویا معدودی از مشاوران خاتمی به وی توصیه کرده‌اند که در صورت اصرار شخص خامنه‌ای بر خواسته‌های خود، مساله استعفای دسته‌جمعی اصلاح‌طلبان را از حاکمیت مورد بررسی قرار دهد، که مورد موافقت وی قرار نگرفته است.

۲۲ مهرماه ۱۳۷۹ - میهن